
موضوع : رد ننگه داشتن عده با دلیل
Started at ۱۳۹۲/۰۸/۱۴ ۱۵:۲۰ by علی پارساپور (a.p)
Visit at <http://www.askdin.com/showthread.php?t=32892>

[پست 1]

(a.p) نویسنده : علی پارساپور
تاریخ : ۱۳۹۲/۰۸/۱۴ ۱۵:۲۰
عنوان : رد ننگه داشتن عده با دلیل

با سلام
من با دو دلیل عده ننگه داشتن را رد می کنم
ببینید فلسفه وضع عده جلوگیری از اختلاط نسلهاست
پس با استفاده از ابزار های جلوگیری کننده از حاملگی مثل کاندوم
براحتی می توان از حامله شدن زن جلوگیری کرد
ومثلا در ازدوا آج موقت دیگه نیازی به عده ننگه داشتن نیست
بعد با استفاده از علم روز بعدویا قبل طلاق می شه فهمید زن حامله است حتی
کوچکترین سلول در رحم هم مشخص میشه
دیگه عده ننگه داشتن لازم نیست و زن بعد طلاق می تونه بلافاصله ازدواج کنه

[پست 2]

نویسنده : حکمت
تاریخ : ۱۳۹۲/۰۸/۱۴ ۱۷:۱۳

با نام الله

http://askdin.com/gallery/images/80/1_er1.png

کارشناس بحث: استاد نور

[پست 3]

نویسنده : نور
تاریخ : ۱۳۹۲/۰۸/۱۵ ۱۴:۲۸

با سلام
من با دو دلیل عده ننگه داشتن را رد می کنم
ببینید فلسفه وضع عده جلوگیری از اختلاط نسلهاست
پس با استفاده از ابزار های جلوگیری کننده از حاملگی مثل کاندوم

براحتی می توان از حامله شدن زن جلوگیری کرد
ومثلا در ازدوا آج موقت دیگه نیازی به عده نگه داشتن نیست
بعد با استفاده از علم روز بعدویا قبل طلاق می شه فهمید زن حامله است حتی
کوچکترین سلول در رحم هم مشخص میشه
دیگه عده نگه داشتن لازم نیست و زن بعد طلاق می تونه بلافاصله ازدواج کنه

با سلام و عرض ادب

درمورد این موضوع تاپیک های مشابهی در انجمن وجود دارد لطفا برای دریافت پاسخ
دقیق به آن تاپیک ها مراجعه نمایید در صورتی که ابهامی باقی ماند در خدمتتان

هستیم:

<http://www.askdin.com/thread11379-2.html>

<http://www.askdin.com/thread1372.html>

<http://www.askdin.com/thread32211.html>

موفق و موید باشید

[پست 4]

نویسنده : عین الحیات

تاریخ : ۱۵:۳۷ ۱۳۹۲/۰۸/۱۵

با سلام

من با دو دلیل عده نگه داشتن را رد می کنم

ببینید فلسفه^۱ وضع عده جلوگیری از اختلاط نسلهاست

پس با استفاده از ابزار های جلوگیری کننده از حاملگی مثل کاندوم

براحتی می توان از حامله شدن زن جلوگیری کرد

ومثلا در ازدوا آج موقت دیگه نیازی به عده نگه داشتن نیست

بعد با استفاده از علم روز بعدویا قبل طلاق می شه فهمید زن حامله است حتی

کوچکترین سلول در رحم هم مشخص میشه

دیگه عده نگه داشتن لازم نیست و زن بعد طلاق می تونه بلافاصله ازدواج کنه

دلایلیکه شما ذکر میکنید همه اش دلایل دنیوی است و باید بدانید که فلسفه عده
فقط جلوگیری از اختلاط نسل نیست

[پست 5]

نویسنده : حامد

تاریخ : ۱۵:۳۸ ۱۳۹۲/۰۸/۱۵

فلسفه^۲ وضع عده جلوگیری از اختلاط نسلهاست

سلام

اگر حکمت یا فلسفه ای برای تشریح یک حکم مطرح شود با انتفاء آن نمی توان حکم

را منتفی کرد چون حکمت و فلسفه بیانگر دلیل اصلی تشریح یا تمام آن نیست بلکه

جهتی از جهات تشریح حکم را بیان می کند

والله الموفق

[پست 6]

(a.p) نویسنده : علی پارساپور

تاریخ : ۱۵:۴۶ ۱۳۹۲/۰۸/۱۵

با سلام

سه لینک معرفی شده مطالعه شد ولی با توجه به متن پایین
اما چون حکمت عده نگه داشتن دقیقاً برای ما روشن نیست می توان احتمال داد که
یکی دیگر از فلسفه های «عده»، نوعی احترام زندگی قبلی و ایجاد زمینه ای
برای آمادگی روحی فرد برای بازگشت به شرایط ایده آل و گسستن تعلقات قبلی و
رسیدن به شرایط مطلوب روحی و جسمی برای ورود به زندگی جدید مطرح است
اما خانمی که کارش صیغه موقته دیگه عشق و محبتو کاری نداره دیگه وابستگی
نداره

فرض کن من یک مسیحی یا یهودی ویا بودایی هستم
از لحاظ عقلی چگونه نی تونید عده نگه داشتن رو توجیه کنید

[پست 7]

نویسنده : نور

تاریخ : ۱۵/۰۸/۱۳۹۲ ۱۵:۵۸

با سلام

سه لینک معرفی شده مطالعه شد ولی با توجه به متن پایین
اما چون حکمت عده نگه داشتن دقیقاً برای ما روشن نیست می توان احتمال داد که
یکی دیگر از فلسفه های «عده»، نوعی احترام زندگی قبلی و ایجاد زمینه ای برای
آمادگی روحی فرد برای بازگشت به شرایط ایده آل و گسستن تعلقات قبلی و رسیدن
به شرایط مطلوب روحی و جسمی برای ورود به زندگی جدید مطرح است
اما خانمی که کارش صیغه موقته دیگه عشق و محبتو کاری نداره دیگه وابستگی نداره
فرض کن من یک مسیحی یا یهودی ویا بودایی هستم
از لحاظ عقلی چگونه نی تونید عده نگه داشتن رو توجیه کنید

با سلام و عرض ادب

نکته اول اینکه، این دلیلی که اشاره کردید به عنوان یکی از احتمالات مطرح شده
است که البته مطابق با فطرت انسان هم می باشد و همان جا هم ذکر می شود که
تمام فلسفه و حکمت احکام برایمان مشخص نیست
نکته دیگر اینکه لزوماً برای فلسفه احکام نباید دنبال دلیل عقلی گشت همین که
با عقل سلیم و فطرت انسانی مخالفت ندارد موجه می باشد وچه بسا در بسیاری از
احکام روحیه تعبدی مورد محک است.

در نهایت اینکه برای اطلاع بیشتر و پاسخ تفصیلی از فلسفه احکام باید سوال خود
را در انجمن کلام پیگیری نمایید.

موفق و موید باشید

[پست 8]

نویسنده : حامد

تاریخ : ۱۵/۰۸/۱۳۹۲ ۱۶:۰۸

اما خانمی که کارش صیغه موقته دیگه عشق و محبتو کاری نداره دیگه وابستگی نداره
فرض کن من یک مسیحی یا یهودی ویا بودایی هستم
از لحاظ عقلی چگونه نی تونید عده نگه داشتن رو توجیه کنید
سلام

فلسفه اصلی ازدواج ارضاء غریزه جنسی نیست بلکه ابعاد مهمتر و ارزشمند تری دارد لذا زندگی مشترک دارای حریم است . چه بسا عده برای رعایت حریم ازدواج است . البته میتواند علت تشریح حکم عده مجموعه ای از دلایل باشد و نه یک یا دو . دلیل . مثلا در عده طلاق ایجاد فرصت برای رجوع یکی از ادله عقلی پسندیده است والله الموفق

[پست 9]

نویسنده : dinshenasii

تاریخ : ۱۳۹۲/۰۸/۱۵ ۱۶:۴۱

ومثلا در ازدواج موقت دیگه نیازی به عده نگه داشتن نیست

نزدیک به اجماع این هست که عده در هر صورت لازمه هرچند با ابزار امروزی یقین کنیم که بارداری و اختلاط انساب اتفاق نیفته ولی فتواهای نادری هم هست مثل آقای صادقی تهرانی که میگن اگه یقین کنیم بارداری صورت نگرفته عده لازم نیست

[پست 10]

نویسنده : شبّنم

تاریخ : ۱۳۹۲/۰۸/۱۵ ۱۷:۱۳

نکته اول اینکه، این دلیلی که اشاره کردید به عنوان یکی از احتمالات مطرح شده است که البته مطابق با فطرت انسان هم می باشد و همان جا هم ذکر می شود که تمام فلسفه و حکمت احکام برایمان مشخص نیست

نکته دیگر اینکه لزوما برای فلسفه احکام نباید دنبال دلیل عقلی گشت همین که با عقل سلیم و فطرت انسانی مخالفت ندارد موجه می باشد وچه بسا در بسیاری از احکام روحیه تعبدی مورد محک است

سلام

میگن یکی از دلایل مهم عده نگهداشتن بعد از طلاق برای رجوع مجدد زوجین (البته در صورت تمایل) است. حالا زن و مردی طلاق میگیرن اومدیم مرد سریع روز اول نه، روز دوم سراغ زن دیگه ای رفت و به کل فاتحه برگشتن زوجین خونده شه !! در این صورت چرا زن باید متضرر بشه و تا چهل و اندی روز عده نگه داره ؟ یه جا دیگه خوندم که عده نگه داشتن نوعی احترام به زندگی قبلیه، چرا که در نظر دیگران این زن به همسر فلانی مشهور بوده و مگه این مساله در مورد مرد هم صادق نیست مگه ایشان هم در نظر دیگران به شوهر فلانی مشهور نبوده چرا در اینجا باز فقط زن باید جور بکشه ؟؟؟؟
Rose::Rose::Rose: با تشکر

[پست 11]

نویسنده : dinshenasii

تاریخ : ۱۳۹۲/۰۸/۱۵ ۱۷:۳۱

اصلیترین حکمتش جلوگیری از تشخیص پدر بوده مثل این که آیه قرآن میگه اگه زن یائسه یا کسی که هنوز حیض نشده (که احتمال بارداری ندارند) طلاق داده بشه عده ندارند. اگه منظور بعد طلاق احترام همسر و امکان رجوع بود برای زن یائسه هم میذاشت یا برای اونی که هنوز حیض نشده. حالا چرا باید زنی که شغلشو ازدواج موقت گذاشته یک ماه و نیم بعدش صبر کنه بعد صیغه یکی دیگه شه

البته در مورد وفات احترام همسر بعد از وفات خیلی هم خوبه به احترام همسر (البته چه زن و چه مرد) مثلا مدت یکسال ناراحتی درشون دیده بشه نرن فرداش ازدواج کنن هرچند مدت چهار ماه و ده روز خصوصیتی نداره .

[پست 12]

نویسنده : Rain

تاریخ : ۱۳۹۲/۰۸/۱۵ ۱۹:۳۶

یک سوال . یک تاپیکی هست به این اسم که احکام اسلام متاثر از زمان ظهور هستن . در زمان ظهور اسلام و مثلا حکم عده نگه داشتن ، طبیعیه چون نمیتونستن مشخص کنن . که اون زن چه وضعی داره ولی الان همه چیز مشخصه .

یا در قضیه اینکه گفتن چند زن دور امام علی علیه السلام جمع شدن و گفتن چا یه زن نمیتونه چند شوهر داشته داشته و دلیلشو این دونستن که بعدش معلوم نمیشه بچه مال کدومه . الان که اصلا اینطور نیست سریع مشخص میشه چی به چه . (البته من با هر دو موردی که گفتم مخالفم یعنی عده نگه نداشتن و چند شوهری - ولی خوب من با هر دو موردی که گفتم مخالفم یعنی عده نگه نداشتن و چند شوهری - ولی خوب میاد :ok: سواله دیگه ، یهو پیش میاد

[پست 13]

نویسنده : FT_Mohammadi

تاریخ : ۱۳۹۲/۰۸/۱۶ ۰۴:۱۳

سلام . . .

. . . . به نظره من مبحث عده نگه داشتن . . . ممکن هست 2 تا حالت داشته باشه

- 1- بحث بچه دار بودن
- 2- عللی که ما نمیدونیم

اونجور که در سوره البقره نوشته . . . حتی همیشه در این مدت با کسی قراره . . . ازدواج گذاشت . . . پس احتمالا مسائل دیگری غیر از بچه هم وجود داره خوب الان ما دسترسی به امام معصوم نداریم . . . اونجور که من شنیدم . . . زمانیکه حضرت مهدی ظهور میکنن . . . آنچنان دین و روشی رو برای زندگی ارایه میکنن که گویی ایشان دینی جدید آورده حالا که ما دسترسی به امام معصوم نداریم . . . مجبوریم احتیاط کنیم . . . شاید حرفه شما هم درست باشه . . . و نیازی به عدع گرفتن نباشه . . . ولی باید کسی باشه . . . که روش مهر تایید بزنه

وگرنه ما نمیدونیم که علت عده نگه داشتن فقط مساله بچه هست . . . یا مسائل . . . دیگری هم دخیل هستنند

[پست 14]

نویسنده : رستگاران

تاریخ : ۱۳۹۲/۰۸/۱۶ ۰۶:۱۹

اللهم عجل لولیک الفرج

سلام

شما دوست گرامی گفته اید در ازدواج موقت عده نداریم

چه کسی گفته که ازدواج موقت عده ندارد؟

در صورتی که ازدواج موقتم تا جایی که من می دانم اگر دخول صورت بگیرد عده دارد

و همچنین در مورد عده نگهداشتن اگر لذت جنسی رو هم یکی از دلایل بدانیم چطور؟
Gig: یا روحیه لطیف خانم ها را؟

[پست 15]

نویسنده : FT_Mohammadi

تاریخ : ۱۳۹۲/۰۸/۱۶ ۱۱:۳۵

سلام ...

شاید یکی از علت‌های عده نگه داشتن این باشه ... که خانم‌های جامعه هرزه نشن ...
... اگر قرار باشه ... الان با یک نفر باشن و ساعتی دیگر با یه نفره دیگه ...
... خوب این باعثه خراب شدن روحیاتشون میشه و انسانیت خودشون رو فراموش میکنند ...
... شاید خدا عده رو برای این گذاشته ... که جلوی چنین امری رو بگیره

[پست 16]

نویسنده : dfffd

تاریخ : ۱۳۹۲/۰۸/۱۶ ۱۲:۰۹

من با دو دلیل عده نگه داشتن را رد می‌کنم
ببینید فلسفه وضع عده جلوگیری از اختلاط نسلهاست
پس با استفاده از ابزار های جلوگیری کننده از حاملگی مثل کاندوم
براحتی می‌توان از حامله شدن زن جلوگیری کرد
ومثلا در ازدواج موقت دیگه نیازی به عده نگه داشتن نیست
بعد با استفاده از علم روز بعدویا قبل طلاق می‌شه فهمید زن حامله است حتی
کوچکترین سلول در رحم هم مشخص میشه
دیگه عده نگه داشتن لازم نیست و زن بعد طلاق می‌تونه بلافاصله ازدواج کنه فقط یه
سوال از شما:

ازدواج و بچه دار شدن مشروع و امور وابسته بدان، امریست حیاتی مهم و خطیر
همونطور که خودتونم مستحضرد، لذا برای امر خطیر باید حداکثر امنیت رو بکار
برد. حالا
شما بفرمایید استفاده از کاندوم و قرص و دستگاه‌های تشخیص دی ان ای و... (و کلا
علم با همه ی نقصانش) مطمئن تر و امن تر است یا نگه داشتن عده؟ هر کدار
اطمینان بیشتری دارد برای اسلام ارجح است. و السلام

[پست 17]

نویسنده : مهدی عباس زاده

تاریخ : ۱۳۹۲/۱۲/۰۴ ۰۰:۳۲

سلام علیکم

و همچنینی در مورد عده نگهداشتن اگر لذت جنسی رو هم یکی از دلایل بدانیم چطور؟
اصلا ممکن نیست اینها علت عده نگه داشتن باشد!!! میدانید چرا؟ چون اگر همان زن
!!! رابطه جنسی با مرد برقرار کند ولی بدون دخول نیاز به عده نیست
(<http://www.askdin.com/thread9828.html#post154341>) برای تکمیل بحث به اینجا
بروید.

[پست 18]

نویسنده : مهدی عباس زاده
تاریخ : ۱۳۹۲/۱۲/۰۴ ۰۰:۳۵

شاید یکی از علتهای عده نگه داشتن این باشه ... که خانمهای جامعه هرزه
... نشن ...
... اگر قرار باشه ... الان با یک نفر باشن و ساعتی دیگر با یه نفره دیگه
... خوب این باعثه خراب شدن روحیاتشون میشه و انسانیت خودشون رو فراموش میکنن
... شاید خدا عده رو برای این گذاشته ... که جلوی چنین امری رو بگیره
به این علت هم نمیتواند باشد اگر اینچنین بود چرا یائسه و کسانی که حیض
نمیبینند در صورتی که به حمل شک ندارند عده ندارند و اگر شک کردند 3 ماه عده
نگه میدارند؟
..... آیا ایشان زن نیستند؟ آیا هرزه نمیشوند؟ آیا احساسات ندارند؟ و

[پست 19]

نویسنده : مهدی عباس زاده
تاریخ : ۱۳۹۲/۱۲/۰۴ ۰۰:۳۹

اونجور که در سوره البقره نوشته ... حتی نمیشه در این مدت با کسی قراره
... ازدواج گذاشت ... پس احتمالا مسائل دیگری غیر از بچه هم وجود داره
بخشید اولاً گویا شما منظورتان عده وفات هست درسته؟ ثانیاً در همان ایه هم
فرموده گناهی بر شما نیست که تعریض کنید خطبه زنان را ولی حق ندارید خود عقد
را انجام بدهید! تا پایان عده
وگرنه ما نمیدونیم که علت عده نگه داشتن فقط مساله بچه هست ... یا مسائل
... دیگری هم دخیل هستند
... آن صفحه را با دقت بخوانید شاید نظرتان تغییر کند

[پست 20]

نویسنده : حاضر

تاریخ : ۱۵/۰۷/۱۳۹۳ ۱۵:۳۳

حاضر

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته

:Salam::!!!!:

یکی از فلسفه های عده نکه داشتن زن، جلوگیری از مخلوط شدن نطفه ها در رحم زن و آگاهی از بار داری است و برای این که اگر فرزندی متولد شد، به طور یقین مشخص باشد که مربوط به چه کسی است و در نتیجه محارم این فرزند معلوم باشد و وقتی این بچه بزرگ شد بداند با چه کسانی نمی تواند ازدواج کند و نیز مسأله ارث بردن او روشن شود اما علاوه بر اینها ممکن است علل دیگری هم داشته باشد که بر ما روشن نیست؛ چون فلسفه واقعی احکام برای ما بیان نشده است و اگر ما قائل شدیم که خداوند حکیم است و کارهایی که انجام می دهد و احکامی که برای بندگان مشخص می کند، همه از روی حکمت و بر مبنای عقل سلیم است، نباید در آنها چون و چرا کنیم. علاوه بر این خیلی زیاد بوده اند و هستند زنانی که از قرصهای ضد بارداری و یا وسایل امروزی برای پیشگیری از انعقاد نطفه استفاده کرده اند؛ ولی در عین حال باردار شده اند.

بنابراین، اولاً؛ حفظ نسب و مشخص شدن حاملگی یکی از حکمت های تشریح عده است، البته این حکمت لازم نیست که در تمامی موارد موجود باشد چون قوانین و احکام همیشه دایر مدار مصالح و حکمت های غالبی است، نه حکمت های عمومی (در نتیجه باید عده را نگهدارد). (سید محمد باقر موسوی، اگر زن عقیم، هم مطلقه باشد (همدانی، ترجمه تفسیرالمیزان، قم، انتشارات اسلامی، 1374، ج 2، ص 346)

ثانیاً؛ عده فلسفه ها و حکمت های دیگری هم دارد، که برخی از آن ها برای ما نامشوف است و برخی را می توان از آیات و روایات ائمه (ع) استخراج کرد. یکی زیرا در این مدت فرصتی برای، از حکمت های مهم «عده» حفظ حقوق خانواده است فکر و بازگشتن به زندگی اولیه پیدا می شود و هیجان ها فروکش می کند. پس عده، وسیله ای برای صلح و بازگشت است. توضیح این که: گاهی در اثر عوامل مختلف، زمینه روحی به وضعی درمی آید که پدید آمدن یک اختلاف و نزاع کوچک حس انتقام را آن چنان شعله ور می سازد که فروغ عقل و وجدان را خاموش می کند. و غالباً تفرقه های خانوادگی در همین حالات رخ می دهد. اما بسیار می شود که اندک مدتی که از این کشمکش گذشت زن و مرد به خود آمده پشیمان می شوند. خصوصاً از این جهت که می بینند با متلاشی شدن کانون خانواده در مسیر ناراحتی های گوناگون قرار خواهند گرفت. اینجاست که اسلام می گوید: «زن ها مدتی عده نگهدارند و صبر کنند تا این امواج زود گذر بگذرد و ابرهای تیره نزاع و دشمنی از آسمان زندگی آنان پراکنده شوند مخصوصاً با دستوری که اسلام درباره خارج نشدن از خانه در طول مدت عده داده است حس تفکر در او برانگیخته می شود، و در بهبود روابط او

:با شوهر کاملاً مؤثر است و لذا در سوره طلاق می خوانیم

لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِّنْ بُيُوتِهِنَّ وَ لَا يَخْرُجُنَّ إِلَّا أَن يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مَّبْدُوحَةٍ وَ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَ يَتَّبِعْ حُدُودَ اللَّهِ فَتَقْدِرَ لَكُمْ نَفْسُهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا» (طلاق: 65 / 1)؛ آنان را از خانه هایشان بیرون مکنید و بیرون نروند مگر آنکه مرتکب کار زشت آشکاری شده باشند این است احکام الهی و هر کس از مقررات خدا فراتر نهد قطعاً به خودش ستم کرده است نمودانی شاید خدا پس از این پیشامدی پدید آورد

غالباً به خاطر آوردن لحظات گرم و شیرین قبل از طلاق کافی است که مهر و صمیمیت از دست رفته را باز آورد و فروغ ضعیف گشته محبت را تقویت کند. (آیت الله مکارم، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1374، ج 2، ص 160) برای توضیح بیشتر در رابطه با مسأله های که اشاره کردهاید باید چند نکته را در نظر داشت:

اولاً؛ آگاهی از فلسفه همه احکام، دانشی فراتر از تنگناهای معارف عادی بشری می طلبد. لیکن به طور اجمال، روشن است که همه احکام الهی تابع مصالح و مفاسد واقعی در متعلق آنهاست. بنابراین در صورتی که فلسفه حکمی را بالخصوص ندانیم، بنا بر قاعده کلی فوق باید از آن پیروی کنیم؛ زیرا در آن یقین به وجود

مصلحتی هست، هر چند بر ما ناشناخته باشد. بسیاری از احکام، مصالحی معنوی دارند که در حوزه هیچ یک از علوم بشری قابل تحقیق نیست و آنها با متد تجربی خود، قادر به دادن حکمی - نفی یا اثباتا - پیرامون آن نیستند و اگر نظری هم بدهند، بسیار سطحی است؛ زیرا چه بسا مسأله حکمتی برتر و بالاتر داشته باشد؛ مثلاً در مورد روزه علوم به خواص بهداشتی آن پرداخته است، ولی قرآن مجید فلسفه های بالاتر را بیان فرموده و آن «تقوایی» است.

ثانیا: رشد علم بشر فرایندی تدریجی است و همین طور که در همه زمینه ها قدم به قدم به پیش رفته و عرصه ها و مجالات مختلفی را می گشاید، دانش فلسفه احکام نیز از این قاعده مستثنی نیست و جهاد علمی پیوسته و دائمی بشر هر روز افقهای نوینی در این عرصه می گشاید.

ثالثا: توجه افراطی به دانستن فلسفه احکام در مواردی موجب از دست دادن فلسفه اساسی و بنیادین آن یعنی پرورش روح تعبد و سرسپاری در پیشگاه خالق یکتا میشود و نظر آدمی را به جای توجه به خالق به کارکردهای جزئی معطوف ساخته و گرفتار نوعی شرک میسازد. از اینرو شارع مقدس نیز به بیان فلسفه همه احکام الهی پرداخته و تنها به نقل پاره ای از آنها اشاره کرده است، لیکن به طور کلی این مسأله را گوشزد نموده که وضع همه این احکام به سود انسان و برای خیر و سعادت است. در روند درک فلسفه و حکمت احکام دینی یا به تعبیر دیگر دفاع «عقلانی» از دین دو شیوه و متد وجود دارد و طبیعتاً هر یک با ویژگیها و

محدودیتهای خاصی روبه روست:

- 1) روش اول شیوه عقل کل نگر توحیدی است؛ یعنی، انسان مؤمن و خداشناس بر اساس باور ژرف و عمیقی که به خداوند به عنوان کامل مطلق و حکیم علی الاطلاق دارد یقین پیدا میکند که هر آنچه از ناحیه او دستور داده شده و هر حکمی که از ناحیه وی صادر گردیده - اعم از مسائل حقوقی الزامی و احکام اخلاقی - حتما دارای مصالحی است که به بندگان بازگشت می نماید؛ هر چند که عقول و اندیشه های بشری از درک حکمت آن ناتوان و قاصر باشد. چنین متدی نقطه قوتی دارد و نقطه ضعفی: قوت آن در این است که تمام سؤالات انسان را یک جا پاسخ می دهد و دیگر جای هیچ تردیدی باقی نمیگذارد و روح و روان آدمی را بیهیچ دغدغهای تسلیم فرمانهای الهی میکند. نقطه ضعف آن این است که حکمت هیچ چیز را به طور جزئی و روشن و دقیق مشخص نمیسازد.
- 2) متد دیگر روش عقل جزءنگر است که در فرآیند تحقیقات علمی تجربی به کار میرود. بر اساس این روش حساب هر حکمی جداگانه و تک به تک رسیدگی و با عقول و رهیافتهای علمی بشر سنجیده میشود. این شیوه نیز محاسنی دارد و معایبی: حسن آن این است که به دقت میتواند حکمتهای بسیاری برای یک حکم جزئی ارائه دهد؛ مثلاً در رابطه با فلسفه حرمت شراب میتوان از علومی مانند فیزیولوژی، پزشکی، روانشناسی و... بهره جست و نکات بسیار ارزشمندی در این رابطه دریافت داشت. نقص و عیب این روش آن است که:

اولاً؛ تدریجی است.

ثانیا؛ محدودیتهای زیادی دارد؛ یعنی بسیاری از سؤالات انسان را بدون پاسخ گذاشته و گاه نیز رهاوردهای نادرست علمی یا شرایط و جو فکری و فرهنگ عصری تأثیرات نامطلوبی را در این راستا به جای خواهد گذارد.

همین مسأله باعث شده که در جهان غرب جریانی به نام «فیدیسم» پدید آید که معتقد است به جای دفاع عقلانی از دین همواره باید در جهت حفظ ایمان تودهها کوشید. اکنون چه باید کرد؟

به نظر ما دفاع عقلانی از دین به خوبی میسر است و اتفاقاً دین اسلام همواره در این مسائل سرافراز بیرون آمده است؛ لیکن جز دو ابزار بیان شده و نیز فلسفه ها و حکمتهایی که در خود دین تعیین گردیده راه دیگری وجود ندارد. بنابراین ما در درجه اول باید بدانیم که ابزارهای تحقیق مان چیست و تا چه اندازه توانایی استفاده از آن را داریم. بدون شک عقل جزءنگر محدودیتهای زیادی دارد و افراط در استفاده از آن اندیشه را به ناکامی می کشاند ولی نباید به طور کلی آن را کنار زد. پس تا آن جا که توانایی علمی ما اجازه میدهد باید فلسفه احکام را دریابیم و آن جا که ناتوان شدیم دیگر راه چاره های جز اتکا به عقل کل نگر و قطع کلی به مصالح احکام الهی وجود ندارد و نباید ضعف دانش و بینش خود را به حساب دین بگذاریم. به هر صورت درباره فلسفه احکام علاوه بر منافع و ضررهای مادی و جسمی باید به آثار مثبت و منفی آن بر «روح و معنویت» انسان

توجه کرد و گذشته از جنبه فردی باید به تأثیر آن در هنجار یا ناهنجاری اجتماع نیز توجه کرد و از آن جا که ابعاد سه گانه «جسمی و روحی و اجتماعی» آدمی رابطه ارگانیک و به هم پیوسته با یکدیگر دارند و از آنجا که آخرت انسان جدا از دنیای او نیست، «احکام الهی» با توجه به تمامی این جوانب تشریح شده است. از اینرو در فلسفه احکام باید با نگاهی گسترده به تمام ابعاد انسان و زاویه های آشکار و پنهان آن نظر افکند تا در انتخاب زیباییها و راههای آرامش و آسایش دچار خطا نگردیم.
در پناه و امان خداوند باشید
:Graphic (41):

Downloaded from گفتگوی دینی (<http://www.askdin.com>) at ۱۳۹۶/۰۵/۰۳ ۰۸:۲۲.